تئاتر در سال ۷۸

علیرضا احمدزاده

سال هفتادوهشت در مجموعه تئاترشهر، شاهد اجرای ۵۱نمایش بودیم. این کمیت در وهله اول بسیار چشمگیر به نظر می رسد اما از نظر کیفی، متأسفانه نمایش های قابل اعتنایی به چشم نمی خورد. نمایش هایی که دارای ویژگیهای تئاتریکال، چه در فرم و چه در مضمون دراماتیک اثر باشد؛ به تعداد انگشتان یک دست هم نمی رسد. تنها اثر درخشان اجرا شده در سال ۷۸، که بر تارک این مجموعه تئاتری می درخشد؛ نمایش «بازی استریندبرگ» کار حمید سمندریان با بازی هما روسنا و رضا کیانیان است و بقیه آثار با فاصله ای در خور از این نمایش، به روی صحنه رفته اند. جای تأسف است که حمید سمندریان در سال باید یک تئاتر به روی صحنه ببرد.

در نمایش «بازی استریندبرگ» اثر فردریک دورنمات ما با شخصیت هایی غیرقابل پیش بینی مواجهیم و دورنمات تصویری عمیق و متمایز از بشر دربند ارائه می دهد.

نمایش های «تبار خون و حشمت» دو نمایش از آتیلا پسیانی و بهرام عظیم پور در فروردین و اردیبهشت ۷۸ روی صحنه رفت. تجربه گرایی از ویژگیهای گروه تئاتر «بازی» است و این تجربی بودن در دو نمایش فوق گامی به جلو برمی دارد. پسیانی با شناخت درستی از نمایش ایرانی و دریافت کاملی از درام غربی تلفیقی دیدنی از نمایشنامه لیرشاه شکسپیر و میرنوروزی بر صحنه می آورد.

فرهاد آییش در خرداد ماه نمایش کوتاه «گزارش به آکادمی» را از داستان کوتاهی با همین نام از نویسنده مشهور چک، فرانتس کافکا، روی صحنه برد. گریم استادانه دانش کریمی و کارگردانی مینیاتوری مائده طهماسبی و ظرایف حرکات دست ها، چشمها و لبان آییش، سخنرانی کافکا را حقیقتاً به درامی دیدنی تبدیل کرده بود.

بهزاد فراهانی با نگاهی همه جانبه شخصیت های داستان کوتاه هدایت یعنی «داش آکل» را با نام «گل و قداره» روی صحنه جان می بخشد. نگاه فراهانی، در بازتاب درونیات شخصیت های منفی مثل کاکارستم، تلاشی بدیع و ماندگار می گردد.

مجید جعفری نمایش «صعود مقاومت پذیر آرتورو اویی» اثر برشت را در سالن اصلی روی صحنه برد، که متأسفانه بعد از ۲۰ اجرای موفق که با استقبال هم روبرو شد، به علت شروع جشنواره تئاتر فجر متوقف شد و بعد از جشنواره هم اجازه اجرا نگرفت. جعفری با نگاهی تیزبین در شرایط اجتماعی و سیاسی حاد کشور، اثری افشاگر را روی صحنه برد و در واقع نمایش برشت و کار جعفری ترجمان واقعیت زندگی تروریست هایی همچون آل کاپون، هیتلر، آرتورو اویی و سعید امامی است.

محمد یعقوبی؛ کارگردان جوان و خلاق، با گروه هماهنگی که دارد با نمایش «رقص کاغذ پاره ها» که نمایشی ایپزودیک بود بار دیگر نمایش موفقی را در سالن سایه به اجرا درمی آورد بازی محمد جعفری و طنز پرقدرت اثر همیشه در خاطره ها می ماند.

ازآثار دیگری که باز هم با فاصله ای از نظر کیفی با این شش اثر اخیر روی صحنه رفت و در کنار نقاط قوت ، ضعفهایی هم داشت می توانبه «مسافر بی توشه» منیژه محامدی، «شکارگاه ممنوع» نادر برهانی مرند، «نمایش های نامربوط» محمودرضا رحیمی، «در فراق فرهاد» ناصح کامکاری، «شیرین و فرهاد» پرویز ممنون، «دختر گلفروش» «دکتر مژده»، «آخرین بازی» استاد محمد، «مصاحبه» رحمانیان، «زندگی دوگانه» لرستانی، «دندون طلا» داود میرباقری، «مجلس نامه» رحمانیان، «پستوخانه» امجد و «پابلو نرودا» جلالی نام برد. بقیه نمایش های به اجرا درآمده اگر اجرا هم نمی شد. هیچ اتفاقی در صحنه تئاتر کشور رخ نمی داد.

در کنار تئاترشهر که مرکزیت تئاتری کشور است تالار سنگلج با چند کار ضعیف و یک کار برجسته با نام «سلطان و سیاه» به کارگردانی علی نصیریان، قدمی در جهت احیای این سالن مهجور، که زمانی بهترین سالن نمایش تهران بود برداشت، اما این قدم اولین و آخرین قدم بود و چون مدیریت و برنامه ریزی درستی برای این سالن صورت نگرفت، سنگلج باز هم به دوران رکود خود بازگشت. نمایش «سلطان و سیاه»، نصیریان، در راستای تلاش های وی در پالایش نمایش سنتی، گامی مؤثر در جهت حفظ این نوع نمایش عامیانه است.

در تالار وحدت که سالنی چند منظوره است. اجرای چند اثر خوب، جلب توجه کرد اما متأسفانه به علت اجرای کنسرتهای موسیقی و تداخل این برنامه ها با اجرای نمایش، کارگردان ها و گروه، دلگیر از اجرا در تالار وحدت هستند دکتر علی رفیعی با نمایش «عروس خون» اثر لورکا به مضمونی عاشقانه به شکلی حرفه ای توجه نشان داده بود.

پری صابری با دو نمایش «رستم و سهراب» و «شمس پرنده» پیگیر برگردان نمایشی، از اشعار شاهنامه فردوسی است و شیوه ویژه خود را همچنان با پافشاری حفظ می کند.

نمایش پابلو نرودا

در سالی که گذشت جشنواره های متعددی به اجرا درآمد که مهمترین آنها هجدهمین جشنواره تئاتر فجر بود. این جشنواره با حضور ده گروه نمایشی از اروپا و آسیا و حضور گسترده حرفه ای های تئاتر به مدت دو هفته در تهران به اجرا درآمد. آثار خارجی بیشترین استقبال را داشت و در بین این آثار نمایش «کاسپار» از کشور آلمان توسط گروه روهر و به کارگردانی روبرتو چولی بهترین میهمان جشنواره هجدهم بود. ولی شتابزدگی در ارائه آثار نمایش های ایرانی در اکثر قریب به اتفاق نمایش ها، دیده می شد و بازتاب این امر، سبب شد تا دبیرخانه جشنواره از هم اکنون به فکر جشنواره نوزدهم باشد و در واقع به جمع آوری متون نمایشی داوطلب مبادرت ورزد.

نمایش دختر گل فروش

غیر از جشنواره هایی مثل جشنواره تئاتر دفاع مقدس، جشنواره تئاتر کوثر، جشنواره کانونهای نمایشی شهرداری تهران، جشنواره تئاتر دانشجویی که به نوعی جشنواره های متمرکز در تهران هستند و آثاری از دست اندرکاران ساکن تهران در آنها به نمایش درمی آید. معاونت هنری اداره کل ارشاد اسلامی واحدی به نام امور تئاتر دارد، که تلاشی گسترده، در جهت احیای تئاتر شهرستانها، بالاخص تئاتر شهرستانهای استان تهران دارد و با برگزاری جشنواره های استانی و منطقه ای و در نهایت «همایش تئاتر فجر»، با حضور علاقه مندان تئاتر شهرستانها، از نظر کمی، موفقیت های زیادی کسب کرده است. اما از نظر کیفی، چه، تجهیز گروهها و چه، حمایت مالی و ساخت سالنهای تک منظوره صرفا برای اجرای تئاتر هنوز کاری اساسی صورت نداده است و البته این تلاش زمانی موفق خواهد شد که نهادها و سازمانهای دیگر، در شهرستانها همچون امور تئاتر اداره کل به فکر اعتلای تئاتر باشند. از نقطه نظر آماری (چون از نقطه نظر انتقاد، قبلاً اکثر آثار مطرح مورد نقد قرار گرفته اند) پرفروش ترین نمایش سال ۷۸ نمایش عامه پسند «دندون طلا» نوشته و کار داود میرباقری بود. نمایش «دندون طلا» در سالن اصلی تئاتر شهر از ۲۷ مرداد ۷۸ روی صحنه رفت و به علت استقبال فوق العاده از کار تا هجدهم دی ماه ۷۸، با ۱۲۰ اجرا تمدید شد. گذشته از اینکه این تمدید اجرا، به برنامه های تئاترشهر لطمه زد و نمایش «دختر گلفروش» کار دکتر پروانه مژده که قرار بود، بعد از موعدمقرر اجرای «دندون طلا»، روی صحنه برود با تأخیری شش ماهه در بدترین ماه سال، یعنی اسفند روی صحنه رفت. با این حال دندون طلا با فروش تقریباً ۹۵ میلیون تومانی، رکوردی در فروش تاریخ تئاتر کشور بنا نهاد. علل استقبال، از این نمایش را باید در چند عامل جستجو کرد؛ یکی حضور بازیگران مشهور و شناخته شده، دوم استفاده از عناصر مردم پسند مثل کلاه مخملی ها و یا سیاه بازی و سوم نام داود میرباقری به عنوان فردی که شناخت خوبی از سلایق مردم دارد. البته تلاش های میرباقری در تلفیق اسطوره و واقعیت و تحلیل شرایط اجتماعی و روانی جامعه قابل تقدیر است امام بخاطر شیوه اجرایی، «دندون طلا» بیشتر در دام گیشه درغلتیده است.

در سالن چهارسو نمایش «بازی استریندبرگ» نوشته دورنمات و به کارگردانی حمید سمندریان حدود پنج میلیون تومان فروش داشت این استقبال با توجه به گنجایش محدود سالن چهارسو، می تواند الگوی مناسبی از نمایش روشنفکرانه و هنری و در ضمن اثری مردم پسند باشد.

تالار قشقایی با نمایش «گل و قداره» اثر بهزاد فراهانی بیشترین فروش را داشته است. این نمایش حدود ۱۲میلیون تومان فروخته و در واقع در مقایسه با نمایش «بازی استریندبرگ» تنوع سلایق تماشاگران حرفه ای تئاتر را می رساند.

در تالار سایه نمایش «زندگی دوگانه»، با حدود دومیلیون تومان پرفروش ترین بود. نمایش فوق با اینکه مملو از لحظات شاعرانه بود اما جذابیت های دراماتیک نداشت و یکی از علل موفقیت نسبی آن به حضور بازیگر آن یعنی فریماه فرجامی برمی گردد.

در سالن کوچک با اینکه آثار هنری خوبی اجرا شد. اما یک نمایش کودکانه به نام «کدو قلقله زن» رکورد دار است. نمایش فوق، با ۵۴ اجرا حدود ۳میلیون تومان فروش داشت.

تالار خانه خورشید، با اجرای نمایش «سیاها» اثر ژان ژنه و به کارگردانی حامد محمدطاهری افتتاح شد و نمایش فوق که دارای ویژگیهای متفاوتی است، به نسبت سالن کوچک خانه خورشید با استقبال خوبی مواجه شده است.

در ضمن در تهران حوزه هنری هم مبادرت به افتتاح سالنی ویژه تئاتر کرده است، با نام «تماشاخانه مهر» که در محوطه باز حوزه هنری ساخته شده و در جشنواره هجدهم پذیرای اجرای نمایش های بخش مسابقه بود. اما متأسفانه بعد از جشنواره غیر از یک گردهمایی در مورد علل فروش نمایش «دندون طلا» فعالیت دیگری نداشته است. امیدواریم با فعال شدن این سالن، از تئاتر شهر تمرکززدایی شود.

آماری در مورد تعداد اجراها و نحوه استقبال نمایش های غیر از مجموعه شهر در دست نیست روابط عمومی تئاترشهر، با دقت همه اطلاعات را در مورد اجراها در اختیار مطبوعات قرار می دهد، اما تالارهای دیگر هیچ اطلاعات دقیقی ارائه نمی دهند. به همین خاطر و طبق جدول دقیقی که محمد بهرامی مسؤول روابط عمومی تئاترشهر در اختیار روزنامه قرار داده، در مجموعه تئاترشهر در سال ۷۸، پنجاه و یک نمایش به اجرا درآمده و حدود دویست هزار تماشاگر از نمایش ها دیدن کرده اند و حدود دو میلیارد ریال فروش نمایش ها بوده است.

مقاله وارده

مرد زمستان و بهاران

تنظیم: منصور ابتهاج

قدیمی ترین اثر در آسیای غربی که از نوروز باقی است مربوط به نخستین خاندان سلطنتی اور (۳۱۰۰،۲۹۳۰ق.م می باشد در این ارتباط استاد بهار می افزاید که از هزاره سوم ق.م در این قسمت آسیا دو جشن متداول بوده یکی عید آفرینش که در اوایل پاییز و دیگر عید بازیافی که در شروع بهار برگزار می شد.

اما هستند مورخینی که قدمت و سابقه نوروز و گشایش و فراخی زمین را به پادشاهان اسطوره ای ایران از جمله جمشید می رسانند از جمله این نویسندگان و شاعران فردوسی، طبری، گردیزی، عنصری...

محمدبن جریر طبری نوروز را سرآغاز دادگری جمشید دانسته!

جمشید علما را فرمود که آن روز که من نشستم به مظالم شما نزد من باشید تا هرچه در او داد و عدل باشد نباید، تا من آن کنم و آن روز هرمز بود از ماه فروردین.

از برگزاری نوروز در دوره هخامنشیان و اشکانیان اطلاع دقیقی در دست نیست.

جز این مورد که در دوره هخامنشیان شاهان این سلسله برای دریافت هدایای مناطق تابعه در نوروز جلوی ایوان کاخ می نشستند و آنها را تحویل می گرفتند.

اما در دوره ساسانیان امرای این سلسله در صبح نوروز جامه ای که معمولاً از برد یمانی بود می پوشیدند و خود را به جواهرات می آراستند و فردی که قدم او خوش یمن بود بر او وارد می گشت. از خوردن غذاهایی که شاهان بدان می پرداختند نوشیدن شیر تازه و مصرف پنیر نو بوده است. در دوره های اسلامی قریب به کمتر از دو قرن این عید چندان رواج نبوده است تا اینکه دوباره در زمان امویان رواج یافت نخستین کسی که هدایایی مهرگان و نوروز را در اسلام رواج داد حجاج بن یوسف بود.

درباره نوروز روایتی وجود دارد که حکایت از توجه امام بزرگوار به این روز فرخنده و خجسته می باشد از جمله اینکه، علی بن خیس گفت: روز نوروز بر حضرت جعفربن محمدصادق(ع) در آمدم گفت آیااین روز رامی شناسی؟ گفتم این روزی است که ایرانیان آن را بزرگ می دارند و به یکدیگر هدیه وار ارمغان می دهند.

پس حضرت فرمود سوگند به خداوند نوروز روزی است که خداوند از بندگان خود پیمان گرفت که او را بپرستند و او را شریک و انبازی نگیرند و به پیامبران و راهنمایان او بگروند. همان روزی است که کشتی نوح در کوه آرام گرفت....

و همان روزی است که به قائم بر دّجال پیروز شود و او را برابر کار کوفه بردار کشد و هیچ روز نوروزی نیست که ما در آن متوقع گشایش و فرخی نباشیم.

مردم ایران هر سال با تمام وجود خود به استقبال این جشن ملی می روند این روز از گذشته بسیار دور مورد احترام و تقدس بوده است. ایرانیان نوروز را جشن جاویدان و ماندگاری می دانند که هرگونه استبداد و ظلم رانفی می کند بودند در تاریخ جهانگشایانی که بر این فلات تاختند و مدت نه چندان دراز سلطه خود را به رخ میزبان کشیدند اما دوران استبدادی و زورمداری آنها بهماند سرمای زمستان به سر آمد و قدرت این ملت همچون گرمی خورشید دوباره شروع به پرتوافکنی کرد.

نوروز بزرگترین جشن ملی ایرانیان می باشد که همزمان با اولین روز بهار آغاز می شود که در تاریخ، ادبیات و آداب و رسوم مردم عمیقاً رسوخ کرده است. بشر پا به سده ۲۱ گذاشته است ولی هنوز انسان ن در چنگال، دیو فقر، بیکاری، جنگ و استبداد و برادرکشی اسیر است و هنوز با بودن جنگ در برخی مناطق مرگ بر بسیاری از اهالی این ممالک سایه افکنده است آیا این با فرهنگ نوروزی همساز و همنواز می باشد؟

در این زمان که عصر استیلای فرهنگهاست ملتی سربلند و سرافراز خواهد بود که از فرهنگ قومی و مستحکم برخوردار باشد که اراده ملتها در آن نقش ارزنده ایفا می کند.

آری بیایید تا به پاکی این روز نو کدورتها را دور بریزیم و با مشارکت و همکاریها با هم ایران را هر روز نوروز و شادان ببینیم.

آمد نوروز روم از بامداد
آمدنش فرخ و فرخنده باد
باز جهان خرم و خوب ایستاد
مرد زمستان و بهاران بزاد

شعر امروز

برای سعید حجاریان

می خواهم برایت چیزی بنویسم اما
واژه ها همه «شلیک» می شوند
خوانندگان عزیز!
اصلاً شما کاری بکنید
سر این تفنگ را بگیرید از این شعر بیرون بکشید
من برای «سعید حجاریان» پیغامی دارم
به «صبح امروز» ت بگو ترور ما را تیتر بزند اما
بی واژه «تفنگ»
بی واژه «شلیک»
وگرنه این شعر را که به تو تقدیم کرده ام
پس خواهم گرفت.»

ابوالفضل کمالی

دو شعر از: ایران باقری

آشتی با شور هستی در حلول سال نو

بهار خرم و خندان ز راه می آید
لطیف و نرم چو انوار ماه می آید
دو چشم نرگس و سوسن میان دشت و چمن
به جلوه با گل شرم نگاه می آید
به کوچ چلچله ها در سپهر آبی عشق
نگر که فوج سپاهی سیاه می آید
کنار هم ـ همه آرام و در مسیر سرور
ز قلب عاشقان سوز آه می آید
شکوه سبز علفزار و جویبار و نسیم
روان خسته ما را پناه می آید
بیا به دشت و بخوان خوش ترانه دشتی
ببین به رقص و طرب کوه و کاه می آید
غمین مباش ـ که عمر دوباره دیگرنیست
مرو ـ که یوسف مصری ز چاه می آید
ز خون سرخ شقایق بنوش ساغر مهر
تو ـ تکسوار مخور غم ـ سپاه می آید
ز ناسپاسی خلق زمانه شکوه مکن
که تاک بر سوخته را تکیه گاه می آید
خجسته باد بهاران، بخوان و خندان باش
که سرو و سرور حق چاره خواه می آید
بیا ـ بیا و میندیش بر جهنم جنگ
بهشت آشتی ـ امشب ز راه می آید
حلول سال نوین را به فال نیک مگیر
که بر شکوه طبیعت گواه می آید
دل شکسته ایران شود شکفته چو گل
که بوی صلح و صفا و رفاه می آید

درود بر بهاران

ای نوبهار خرم و زیبا خوش آمدی
ای چتر رنگ رنگ و فریبا خوش آمدی
دور خزان و عمر زمستان به سر رسید
ای رویش امید به دلها خوش آمدی
نوروز ای طلیعه جانپرور بهار
ای پاک و دلفریب چو دریا خوش آمدی
با چشمه های مهر و نوای پرندگان
با لاله های سرخ و دل آرا خوش آمدی
بر شاخسار گلشن این کشور کهن
مستانه ـ ای قناری شیوا خوش آمدی
ما ـ روح و جان به صبح نسیم تو داده ایم
ای کوه پرشکوه و مصفا خوش آمدی
«ایران» غمین مباش و بگو با صفای دل
ای دشت پر شقایق صحرا خوش آمدی

دوستانی که مایلند از طریق پست الکترونیک با دبیر و نویسندگان گروه فرهنگ و هنر ارتباط داشته باشند می توانند از آدرس : honary@parsmail.com استفاده کنند.

در ایام نوروزهم می‌توانید
مشترک اینترنت شوید
برقراری ارتباط در هفت روز
بدون نیاز به مراجعه حضوری
ماه‌نت
۸۷۷۱۱۲۸
۸۷۷۸۸۸۳